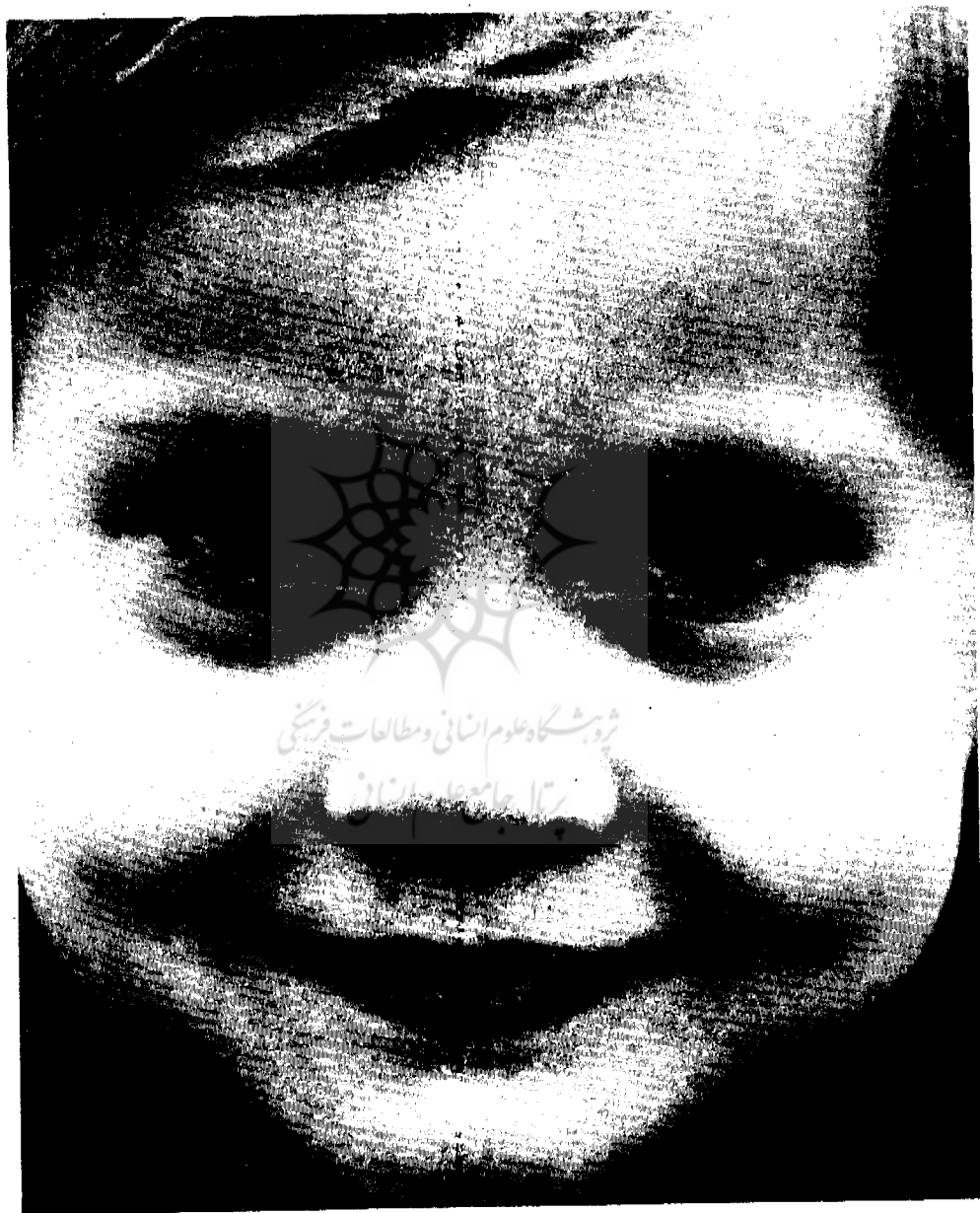


کودکان به شما می نگرند!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فراموشی کرد یا در انجام دادن آن بداضیای سن
تنبلی نمود نباید به او بگوئید :
— آهای گنج خرف . بادت رفت دندوناتو
مسواک کنی ؟ مگر نمیدونی اگه تنبلی کنی
دندونات خراب میشه ، ها ؟

خسونت شما با یک چنین مسئله‌ای که حل آن
بسیار آسان است باعث لحیازی کودک خواهد
شد و او برای ایستادن در برابر رفتار خشن شما
عمداً وظایف خود را کنار خواهد گذاشت و از
انجام آنان طفره خواهد رفت. در نظر داشته
باشید کودکان جسم بد رفتار شما دوخندانند و
هرچه شما بگوئید و هرکاری بکنید آنها سرعت
تقلید می‌کنند ، پس اگر مؤدب باشید آنان نیز
رعایت ادب را خواهند کرد ، اگر روزی فرزندتان
گلدان یا زیرسیگاری را سکت نباید بگوئید :

— خیلی نفهمی ، حقدرد دست و پا چلفتی
هستی ، مگه حسم نداری ؟ چرا گلدونوسکتی ؟
اینگونه سخن ها بسیار خطرناک است . غرور
کودک را حریجه دار می‌کند و از اعتماد بد نفس او
می‌کاهد . این سخن دارای می هستند کد
شخصیت کودک را که در حال شکل گرفتن است
مسموم خواهند کرد . بدرومادر در هر وضع و
موقعیتی هستند باید بدانند که در تمام موارد
باید متانت و منطق را حفظ کنند .

وقتی واقعه بدی اتفاق

می‌افتد!

در مواقع بروز یک جریان بد و نامطبوع
مخصوصاً " جریانی که مسئولش فرزند شما است
باید با کمال صبر و حوصله از بدگویی کردن از او
خودداری کنید بلکه فوراً " درصدد پیدا کردن
علت های آن برآیید و راه چاره‌ای برای آن در
نظر بگیرید .

حیمنی کوچک آنروز می خواست به مادرش

دکتر استفان گینوئر روانشناس و رئیس بخش
تحقیقات روانی دانشگاه جان ها پکینز اظهار
می دارد :

کودکان خود را باید سخت محافظت کنیم .
درآینده‌ای نه چندان دور باید نظام اجتماعی
را به دست ایشان بسایریم . پس باید آنان به
افرادی سالم ، درست و شجاع تبدیل شوند . با
کمی کجروی که در رفتار خود اعمال خواهیم کرد
کودکان ما گرفتار مسایل و مشکلات روانی می —
شوند و این گرفتاریها ، زندگی آنها را در جامعه
آینده به خطر می اندازد .

خسونت ، تحقیر ، بی اعتنائی و کوچک
شمردن کودک ، اثرانی در روح او باقی می‌گذارد
که ممکن است منجر به انحرافات و امراض روحی
شود .

ناهماهنگی های روانی که در سنین پایین در
کودکان مشاهده می شود اغلب محصل
ناپهنجاریهایی است که در خانواده مشاهده
می شود . در ایران اغلب این تصور وجود دارد
که وقتی اختلالات روانی شدید در افراد مشاهده
می شود ، آنوقت باید به پزشک متخصص اعصاب
و روان مراجعه نمود . این تصور سخت غیر
منطقی است . مراجعه به روان پزشک دلیل بر
دیوانگی و عدم اعتدال روحی در انسان نیست .
از این رویه اعتبار موضوع باید همواره کودکان
خود را از نظر روحی مورد مطالعه قرار دهیم و
مواردی را بکار گیریم تا احیاناً " نابسامانیهای
روانی و کمبودهای روحی در آنان ایجاد نشود .
با کودکان خسونت نکنید .

اگر کودک شما یکی از وظایف روزانه خود را
فراموش کند ، هرگز نباید زبان به سرزنش و
شتمت بکشاید مثلاً " اگر مسواک زدن را

خده دارنکنید و در عین حال بسیار حدی به راهنمایی کردن او اقدام کنید .

مثالی دراین مورد ذکر می‌کنیم :

— جانی وقتی می بینم لباسهاتو روی زمین انداختی خیلی عصبانی می شوم . جای لباس روی زمین نیست .

— ادی چرا وقتی صدا می کنم جواب نمیدی باید بدونی که من مادرت هستم ، این بی ادبیه که جواب بزرگترها روندی ، مخصوصاً " وقتی که مادرت تورو صدا می کنه .

روت پنج سال داشت و اغلب با مداد رنگی روی دیوارها خط می کشید . مادرش می‌گفت :

عزیزم وقتی این کار میکنی من حال بدی می شم . فکر می‌کنم تو اصلاً " منو دوست نداری . اگه منو دوست داشتی حتماً " حرف منو گوش می‌کردی . ببین عزیزم چیز کتییف رو هیچکس دوست نداره خوب اگه تو دائماً " این کارو بکنی دیوار کتییف میشه .

مدتی بعد روت کوچولو گفت :

— من از حرفهای ماما چیزی نمی فهمم اما میدونم که دیگه نباید این کارو بکنم .

یکی از دوستانم درباره رفتار دوپسرع ساله و ۹ ساله اش با من صحبت می‌کرد :

— دوتایی در اتاق مشغول توپ بازی بودند . من به اونا گفتم که بروند بیرون بازی کنند . چند دقیقه بعد صدای شکستن شیشه را از توی حیاط شنیدم . من از اینکه خود بچه‌ها آسیبی ندیده بودند خوشحال بودم ، اما از کارشان فوق العاده خشمگین بودم . نگاه سردی به آنها انداختم و گفتم :

" من خیلی عصبانی هستم ، آنقدر عصبانی هستم که نمیتونم حرف بزوم ، حالا بریم غذا بخوریم ، بعداً " با شما صحبت می‌کنم . بعد از

کمک کند او ظرف غذا را از آشپزخانه برداشت تا به اتاق برد و بروی میز بگذارد . ظرف از دستش افتاد و شکست و تمام موکت اتاق را کتییف کرد . مادرش از آشپزخانه بیرون آمد با دیدن آن منظره گفت :

— زود باش — برویک حوله بیار هرچه زودتر اینجارو تمیز کنیم جای لکه‌ها باقی نمونه .

جیمی فوراً " یک حوله آورد . دریاک کردن با خودش فکر می‌کرد که چرا مادرش او را دعوا نکرد وقتی کار به پایان رسید جیمی دست به گردن مادرش انداخت و او را بوسید و گفت دوستت دارم مادر تو جقدر خوبی .

دراین جریان مادر جیمی تمام حواس خود رامتوجه پاک کردن موکت کرده بود و از شکستن ظرف و ریختن غذا اصلاً " صحبتی نکرد . روش او کاملاً " منطقی بود . او منانت خود را حفظ کرد و با رفتار خود کودک خردسال را متوجه‌کار اشتباهی که مرتکب شده بود کرد .

دق دل خود را سر بچه‌ها

خالی نکند

در نظر بچه‌ها ، پدر یا مادر خوب یک انسان است که هم خوشحال می‌شود و هم غمگین . در این حال پدر و مادر خوب کسانی هستند که آتش خشم خود را بروی بچه‌ها نمی‌ریزند .

باید دانست که از نظر اصول تعلیم و تربیت پدر و مادر نباید دق دل خود را بر سر بچه‌های خود خالی کنند ولی باید متوجه باشند که این مسئله دلیل آن نیست که هرگز خشمگین نشوند اما این خشم باید منطقی باشد . این خشم باید در مورد مسایل و مشکلاتی باشد که پیش می‌آید . شما می‌توانید خشمگین بشوید بدون اینکه با زخم زبان بچه‌های خود را بیازارید . هرگز غرور او را زیر ضربات انتقاد نگیرید ، شخصیت او را

خوشرویی حرفهای اورا شنیداما در هنگام عمل
این مکالمات بین آندو انجام شد :

رابی - مادر تو پرسیدی برای تولدم چی
می خوام ، خوب من شش تا بستنی می خوام
شش رنگ .

مادر - پس تو بستنی قیفی خیلی دوست
داری ؟
رابی - آره مامان .

مادر - بسیار خوب رابی تو میتونی دوتا
بستنی داشته باشی حالا بگو چه رنگایی دوست
داری ؟

این مادر دانا به حرفهای فرزندش
گوش داد ولی با درایت و منطق آنچه را که
صلاح می دانست برای فرزندش در نظر گرفت .

**آنچه به بچه نمی دهید،
بگذارید در عالم خیال به
دست آورد.**

روزالین بادوست خود در حیاط بازی می-
کرد . روز سردی بود اما روزالین می خواست آب
بازی کند . این وظیفه مادر بود که از این کار
جلوگیری کند :

مادر - روزالین دلسم می خواست الان
تابستون بود ومن می تونستم یکعالمه آب برات
آماده کنم تا تو بازی کنی .

روزالین - من الان هم میتونم آب بازی کنم
مامان .

مادر - البته که میتونی ، اما در تابستون
لذتش بیشتره آخه توی این روز سرد که کیفی
نداره ، آدم سرما می خوره ، اصلا " ممکنه مریض
بشی عزیزم .

روزالین به سرعت پیش دوستش رفت و گفت :
مامان میگه ممکنه مریض بشم ، خوب راست میگه

بقیه در صفحه ۳۹



ناهار دختر بزرگم فلکش را آورد و جلوی من
گذاشت وگفت پدراین بول شیشه مارو ببخشید .
ناگهان تمام خشم من از میان رفت اورا در بغل
گرفتم و بوسیدم و دانستم دیگر هرگز چنین
خطائی از آنها سر نخواهد زد . "

**از خواست بچه ها جلوگیری
نکنید ولی در رفتارشان دقت
کنید.**

رابی شش سال داشت و برای روز تولدش ۶
عدد بستنی قیفی می خواست . مادرش با

تَفَكُّرٌ سَاعَتِ خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ

لحظه‌ای اندیشیدن از عبادت یک ساله برتر است.

احادیث و روایات

مسیح پیامبر از مریم مقدس ویا تبدیل شدن
عصای موسی پیامبر به مار همه و همه براساس
نظام علت و معلولی استوار است، منتهمی باید
توجه داشت که علت و معلول تنها در انحصار
امور مادی نمی‌باشد بلکه قوانین علت و
معلولی در امور غیر مادی نیز وجود دارد.

مطالعه آیات قرآن این واقعیت را آشکار
می‌سازد که قرآن نیز قوانین علت و معلولی را
مورد تاءکید قرار می‌دهد. یعنی بدون علت
و جهتی هیچ قوم و ملتی به خوشبختی و یا
بدبختی در نمی‌افتد، بلکه خوشبختیها بر اثر
علل خوشبختی تحقق می‌یابد، چنانچه
بدبختیها و سعادتها هم بر اثر علل و عوامل
بدبختی پدید می‌آید.

برای بیشتر روشن شدن مطلب به دو آیه اشاره
می‌نماییم که قانون علت و معلول را مورد تاءکید
قرار داده است:

خداوند در سوره رعد آیه ۱۱ می‌فرماید:
إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا
بِأَنفُسِهِمْ.

همانا خداوند در قوم و ملتی تغییر و تبدیلی
بوجود نمی‌آورد، مگر آنکه خود مردم آن ملت
و قوم عوامل تغییر را به وجود آورده باشند.

در نظام آفرینش هر چیزی پایه و اساسی دارد.
خداوند اولین موجود را آفرید و پس از آن سایر
موجودات یکی پس از دیگری به وجود آمدند.

انسانهای بزرگسال در ابتداء نقطه بسیار
کوحکی بودند ولی بتدریج بزرگ شدند. زندگی و
حیات نیز ابتداء در نقطه‌ای پدید آمده، بعداً
بتدریج توسعه و گسترش یافت.

دانشمندان اعتقاد دارند که علوم امروزی
بشر با اینکه بسیار گسترده و وسیع است ولی در
آغاز بسیار ساده و فشرده بود و از همین
ساده‌ها کم‌کم علوم استکمال یافت. لذا برخی
عقیده دارند که علوم ریاضی پایه و اساس سایر
علوم بوده است.

پس از ذکر این مقدمه به این واقعیت نیز باید
اعتراف کرد که نظام هستی براساس قوانین علت
و معلولی استوار گشته است، اگر بارانی می‌بارد
اگر تابستانی به وجود می‌آید و اگر سرما و
یخبندان به وقوع می‌پیوندد، همه بر اثر علل
و عوامل گوناگونی تحقق می‌یابد، حتی در امور
غیر طبیعی که بدون در نظر گرفتن قوانین علت و
معلولی طبیعی صورت می‌پذیرد. دانشمندان
اعتقاد دارند که کارهای استثنائی مانند تولد

زیر بنای استكمال در انسان وجود عقل و خرد است .

نکنه بسیار جالب این که همان طوری که عقل راه تکامل و پیشرفت را بدروی انسان می گشاید گستردگی و توسعه و تکامل انسان نیز وابسته به رشد و پرورده شدن عقل می باشد، یعنی هر قدر عقل بیشتر پرورش یابد راه تکامل انسانی نیز معالی تر خواهد شد .

به عبارتی دیگر درک و دریافت معارف بسیار ظریف و عمیق اسلامی جز در برینو رشد عقلیسی امکان بدیر نیست و به بنای روشن تری همان طور که با عقل کودکان بدی توان بد کمالات بسیار عمیق انسانی دست یافت . در برینو عقول ضعیفو نابوان نیز افراد قادر نخواهند بسود بسه معارف الهیه دست یابند . لذا اعتقاد ما مبتنی بر این است که همه استكمال ها و پیشرفت های بشری در برینو عقل امکان بدیرمی شود و تا عقل فردی رشد نناید وصول به مراحل کمال برای او مسور نخواهد بود .

از رسول جدا این حدیث نقل شده است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) سَيِّدُ الْأَعْمَالِ فِي الدَّارَيْنِ الْعَقْلُ وَلِكُلِّ نَبِيٍّ دِعَامَةٌ وَدِعَامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ فَيَبْدُرُ عَقْلُهُمْ تَكُونُ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ .

نکات بسیار برجسته ای از این حدیث شریف مستفاد می گردد :

۱ - عقل و خرد جزو اعمال و کردار برجسته انسانها به شمار آورده شده است . بدیهی است اعمالی که توسط فکر و اندیشه عقلی برای انسانها فراهم می آید قابل قیاس با اعمال بدنی و جوارحی نمی باشد .

در سوره اعراف آیه ۹۶ می فرماید :

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الثَّرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ .

اگر اهالی روساها امان آورده ، تقوی بسته سازند ، همانا برکتها از آسمان و زمین بر آنان فرود خواهد آمد .

بانوچه به این دو آیه بخوبی آشکار می گردد که اساساً همه امور از قبیل سعادتها و بدبختیها بر اساس نظام علت و معلولی تابع توانین بسیار دقیق و ظریف انجام می گیرد .

حالا بی از ذکر این مطالب این سؤال مطرح می شود که بزرگترین علت برای خوشبختی انسان در گرو چه چیزی است ؟ ممکن است برخی بگویند ايمان و تقوی . در پاسخ می گوئیم که ايمان و تقوی در عین اینکه نسبت به خوشبختی و سعادت نشی علت را عهده دار است ولی خودش نسبت به علت قلبی نفس معلولی را عهده دار می باشد . با مطالعه و بررسی به دست می آید که بزرگترین و ابتدائی ترین عامل در انسان وجود عقل است زیرا اگر عقل را از وجود آدمی برکنار می کردند اساساً موضوع خوشبختی و بدبختی از بین می رفت .

بس همه اوج گیریهای انسان در برینو وجود عقل است .

لذا رسول خدا فرمود :

رَفَعَ الْقَلْمَ عَنِ الصَّبِيِّ وَالْمَجْنُونِ .

قلم تکلیف از کودک و دیوانه برداشته شده است .

بانوچه به این امر بخوبی آشکار می گردد که

به اعمال ارزش می دهد لذا رسول خدا
می فرماید :

فَبِعَدْرِ عَقْلِهِ كُنُونَ عِبَادَتَهُ لِرَبِّهِ .

یعنی همان قدر که عقل و خرد دارد به همان
اندازه عبادت و پرستش او برای خدا تحقق
خواهد یافت .

پس زیر بنای استکمال هرنسانی وابسته
به رشد عقلی او می باشد . پس این
جمله صحیح است که نقل شده است :

"آن را که عقل دادند چه ندادند و
آن را که عقل ندادند چه دادند ."

بدیهی است منظور از این عقل ، عقل
پرورده و رشد یافته است ، نه عقل ابتدائی
زیرا از عقل ابتدائی همه انسانها برخوردار
می باشند .

و به اصطلاح قرآن ، عقلی که خداوند در
قرآن از آن به نام اولوالالباب یاد کرده است و ما
بتذکر الاولوالالباب همانا صاحبان خرد
و عقل متذکر شده ، از آیات الهی استفاده
می نمایند . پس بر پدران و مادران است
که به موازات آموزشهای دینی از قبیل
نماز و روزه و سایر امور عبادی به پرورش
عقلی کودکان خود بپردازند که اگرستون
وجودی اعمال در انسانها استوار و استقرار
یافته باشد می توان به اعمال
عبادی نیز توجه و التفات داشت
والا افعال عبادی منهای عقل و خرد
فاقد ارزش و بهاء بوده و نمی توان بر
آنها اتکا کرد .

درفرصتی رسول خدا (ص) به علی
علیه السلام می فرمود :

در آن هنگام که مردم به اعمال و کردار می-
پردازند تو به تفکر و اندیشیدن بپرداز و در
روایات آمده که لحظه‌ای اندیشیدن از عبادت
یک ساله برتر و والاتر است . تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ
عِبَادَةِ سَنَةٍ . پس تفکر و اندیشیدن جزو اعمال
ارزنده و والا محسوب گشته است .

۲- هرچیزی راستون و پایه است و ستون و
پایه فرد با ایمان عقل و خرد اوست . ایمانی که
بر اساس خرد استوار نباشد بزودی متزلزل شده
از بین خواهد رفت . به عبارت دیگر بهره‌گیری از
نماز و روزه و حج و جهاد فی سبیل الله و غیره
همه باید مبتنی بر عقل و خرد باشد . اگر کسی
همه این کارها را انجام دهد ولی از نظر عقلی
فاقد رشد و رسایی باشد بهره و سودی از اعمال
انجام داده نخواهد برد .

در خدمت رسول خدا وقتی از اعمال نیکوی
انسانها سخن به میان می آید رسول خدا قبل از
تاءکید از میزان و درجه عقلی انجام دهنده آن
اعمال سؤال می نماید ، چه آن حضرت به این
واقعیت اشراف دارد که اعمال فی حدنفسه
نمی تواند مورد توجه قرار گیرد مگر به مقدار
عقل و خردی که انجام دهنده آن اعمال از آن
برخوردار است . پس ستون وجودی اعمال وابسته
به شخصیت عقلی انسانهاست .

۳- افعال و عباداتی که افراد انسانی انجام
می دهند بطور جداگانه و مستقل نمی تواند ارزش
و بهائی را دارا باشد ، بلکه ارزشمندی آنها
وابسته و مرتبط به میزان عقل و خرد انجام دهنده
آن اعمال می باشد . پس این عقل و خرد است که

همه آوازه‌ها و ثمره‌ها در پرتو عقل پرورده برای انسان تحقق می‌یابد. بنابراین همه افراد انسان در درجه اول باید عاقل شوند و پس از آن به سعادت و خوشبختی راه یابند و الا بهره‌و سودی از اعمال انجام داده نخواهند برد زیرا قیلا " اشاره کردیم که ارزشمندی اعمال به اعتبار عقل و خرد انجام دهندگان آن اعمال است و چون اینان از عقل بهره‌ای ندارند اعمالشان نیز بی ارزش و بیها خواهد بود.

از رسول خدا (ص) این روایت نیز نقل شده است که فرمودند:

اَسْتُرِّشِدُوا الْعَقْلَ تَرْتَدُّوْا وَاوَّلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوْا .

از عقل و خرد راهنمایی بخواهید چه، در صورتی که از عقل کمک و یاری بجوئید همانا به سعادت و خوشبختی خواهید رسید و اگر در برابر عقل و خرد نافرمانی پیشه سازید به ندامت و پشیمانی درخواهید آمد.

بقیه از صفحه ۳۵

دیگه. الان هوا خیلی سرده، آخه مگه تونمی -
فهمی؟

در این ماجرا مادر کاردان بامهارت اجازه داد ذهن کودک به کار بیفتد و بفهمد که واقعا در هوای سرد چه اتفاقی ممکن است پیش بیاید.

به شکایت های کودکان

گوش دهید

ماری در حالیکه گریه می کرد وحنج می کشید وارد اتاق شد و می گفت که انگشت خود را زخم کرده است. مادرش انگشت او را نگاه کرد، اما اثر زخم یا خراش در آن ندید. در واقع یک دره بین لازم بود تا بتواند جای فرو رفتن سوزن را در انگشت او پیدا کند.

بالحن بی تفاوتی گفت:

- زخم انگشت تو همین است؟ فکر کردی داری میمیری، این زخم حتی یک بچه کوچک رو هم به گریه نمی اندازه، اما ماری فریاد زد.

هی - میسوزه، میسوزه،

مادر گفت:

- نمی سوزه، چیز مهمی نیست.

ماری بیشتر فریاد زد:

- از کجا میدونی نمی سوزه دست تسوکه

نیست؟

مادر باخشم فریاد زد:

- اگه آروم نشی، تورو حبس می کنم.

ماری به گریه ادامه داد و مادر او را برد در یک اتاق حبس کرد و در را به روی او بست و در حالیکه ماری به شدت گریه می کرد بسه سراغ کارهای خود رفت. مسئله بسیار کوچک بود و نتایجی بد و بزرگ برای کودک داشت این مادر هرگز نمی باید تخم ترس، لجبازی و بد رفتاری را در روح کودک خود می کاشت. تسوجه به این موارد کودک سلامت روحیه کودکان را برای آینده تضمین می کند، پدران و مادران دانا و فهمیده می دانند که گذشته از مهر و محبت در رفتار با کودکان، سیاست، تدبیر، تحمل، گذشت خودداری و مطالعه لازم است. هر آن که حس کردید یا مشکلی روبروید که خود قادر به حل آن نیستید، حتما" به مشاور روانی مراجعه کنید.

نقل از سایکولوژیست